وطن امروز

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز: مهرداد بذرپاش

مدیرمسوول: محمد آخوندی سردبیر: رضا شکیبایی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج) کوچه سعید، پلاک ۹

روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۸۳

نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷ پیام‌گیر: ۶۶۴۱۳۹۴۲

سازمان آگهی‌ها: ۶۱۰۸۶۱۶۳

پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir

چاپ: شرکت رواق روشن مهر

افق

اذان ظهر:	۱۲:۰۹	غروب آفتاب:	۱۷:۰۴
اذان مغرب:	۱۷:۲۴	نیمه‌شب شرعی:	۲۳:۲۴
اذان صبح فردا:	۵:۴۵	طلوع آفتاب:	۷:۱۵

کلام نور

چیزی را بر زبان نیاورید که از ارزش شما بکاهد

امام حسین(ع)

راهنما

برنامه‌های امروز سیما

شبکه	عنوان برنامه	پخش
۱	مجموعه داستانی منطقه شهری	۲۲:۲۰
۲	سریال ایرانی سال های ابری	۲۱:۳۰
۳	جشنواره عمار	۱۷:۵۰
۳	سریال ایرانی همه‌چیز آنجاست	۲۱:۰۰
۴	مستندچهارباتحلیل	۱۴:۰۰
۴	سینمامردم	۲۰:۳۰
۴	سریال‌الیور توئیست	۰۰
نمایش	صدای بلند	۱۱:۰۰
نمایش	ماتادور	۱۴:۰۰
نمایش	یک ماه و ده روز	۱۶:۰۰
نمایش	خانه‌ای در باد ۳	۱۷:۰۰
نمایش	داستان مرده	۱۹:۰۰

یادداشت روز

عجایبنامه‌هاشمی

ادامه از صفحه اول

وی در مصاحبه با سایت ضدانقلابی «تلاش آنلاین» نیز عبارت تجلیل‌گونه‌ای از رفسنجانی می‌آورد: «تسب‌نامه جنبش سبز از ۲۲ خرداد آغاز نمی‌شود. از همان ۳-۲ سال نخست پیروزی انقلاب، نخستین نشانه‌های راه یافتن گفتمان لیبرال - دموکراسی پدیدار شد و در دوران ریاست جمهوری رفسنجانی در مجلات سنگین‌تری که پیاپی انتشار یافتند، بیرون رفتن از گفتمان انقلاب اسلامی را می‌شد به طور منظم دید».

کافی است بزرگ‌ترین اقدام ضدمرجعیت، ضدروحانیت و ضد امام را با محوریت «داریوش همایون» مرور کنیم و بعد ببینیم آیا آقای هاشمی رفسنجانی می‌توانند هم ادعای حرکت در مسیر امام را داشته باشند و هم از سوی کسی که بزرگ‌ترین و شنیع‌ترین اهانت‌ها را به امام راحل عظیم‌الشأن روا داشته است، حمایت شوند و در برابر آن سکوت کنند؟

پس از اینکه مقاله موهن «ایران و استعمار سرخ و سیاه» به دستور شاه توسط همایون تهیه و برای چاپ به روزنامه اطلاعات ارسال شد، عباس مسعودی، صاحب امتیاز و مدیر مسؤول اطلاعات، پس از خواندن مقاله با داریوش همایون، وزیر اطلاعات و گردشگری تماس گرفته و نسبت به توهین‌آمیز بودن آن که موجب واکنش علما و مردم خواهد شد، هشدار می‌دهد ولی همایون تاکید می‌کند مقاله در همان روز (۱۷ دی ۵۶) باید چاپ شود. در این مقاله بی‌حجابی به عنوان فضیلت برشمرده و اصل مسلم حجاب که در قرآن کریم آمده است، کهنه‌پرستی و ارتجاع معرفی شده بود. همچنین قیام ۱۵ خرداد ۴۲، حادثه‌ای برنامه‌ریزی‌شده از سوی استعمار سرخ - شوروی و حزب توده - و سیاه - ملاکان و ثروتمندان - عنوان شده بود.

این مقاله با بی‌شرمی غیرقابل وصفی، به‌طور کین‌توزانه‌ای به حضرت امام تاخته و از ایشان به عنوان مردی ماجراجو و بی‌اعتقاد یاد کرده بود.

در ادامه نیز توهین‌های وسیع، بیمارگونه و ناجوانمردانه‌ای به ساحت مقدس آن مرد خدا شده بود.

خوب است آقای رفسنجانی بفرمایند چه کرده بودند که مسؤول پروژه رشیدی‌مطلق - موهن‌ترین قلم علیه امام - از ایشان به نیکی یاد کرد؟! ایشان چه کرده‌اند که امروز نیز با وجود گور به گور شدن همایون، کسانی که دشمن‌ترین دشمنان این نظام و حضرت امام هستند، قند در دلشان از مواضع آقای رفسنجانی آب می‌شود؟ در حال حاضر متأسفانه عاقبت کار جناب رفسنجانی به جایی رسیده است که طیف‌های مختلف ضدانقلاب داخلی و خارجی؛ از رسانه‌های حامی فتنه تا بدنام‌ترین اعضای جنبش به اصطلاح سبز، مواضع خود را با ایشان که مقایسه می‌کنند، نه تنها تفاوتی نمی‌بینند که آن را همدلانه با خود می‌دانند. حامیان این روزهای‌شان طیف وسیعی از فتنه‌جویان داخلی تا انواع و اقسام ضدانقلابیون خارج‌نشین را شامل می‌شود، کسانی که نه انقلاب اسلامی و نه امام راحل را قبول ندارند ولی ایشان را که نه بلکه مواضعشان را قبول دارند! برای تذکار، ایشان را به این فرمایش حضرت امام ارجاع می‌دهیم: «هر وقت دشمن از شما تعریف کرد، شما به خودتان شک کنید».

■■ قاب روز

اندونزی ـ جمع آوری و انتقال اجساد مسافران هواپیمای سقوط کرده ایر آسیا

■■ گزارش

نگاهی به ساخته متفاوت سیدمحمدعلی صدری‌نیا

«چشم در برابر چشم»

چشم‌های حضار جشنواره عمار خیره به مستند

یکی از دردناک‌ترین و در عین حال جنجالی‌ترین اتفاقات سال ۹۳ بدون‌شک حادثه اسیدپاشی شهر اصفهان بود. حادثه‌ای که واکنش‌های متفاوتی از سوی رسانه‌های داخلی و خارجی داشت. به گزارش رجا، از آنجا که حادثه اسیدپاشی دقیقا با تصویب قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر توسط مجلس همزمان شده بود، بسیاری از شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای همسو با برخی خبرگزاری‌های داخلی سعی داشتند اسیدپاشی را کار عده‌ای تندرو که برای نهی از منکر دست به این اقدام وحشیانه زده‌اند، جلوه دهند و با همین بهانه به مجلس شورای اسلامی فشار بیاورند تا قانون حمایت از امر به معروف را تصویب نکند. این جوسازی رسانه‌ای در حالی بود که سال ۸۳ دقیقا اتفاق مشابهی برای «آمنه بهرامی» افتاده بود و واکنش همین شبکه‌های ماهواره‌ای کاملا متفاوت بود. «سیدمحمدعلی صدری‌نیا» در آخرین اثرش حوادث اسیدپاشی سال‌های ۸۳ و ۹۳ را دستمایه ساخت مستندی قرار داده که در اولین اکرانش در پنجمین «جشنواره مردمی فیلم عمار» مورد استقبال تماشاگران واقع شد. «چشم در برابر چشم» علاوه‌بر جذابیت برای مخاطب، از کیفیت ساخت مطلوبی نیز برخوردار است و «صدری‌نیا» توانسته بسیاری از ایرادات فنی اثر اولش- مستند «گام نهایی»- را در مستند دوم خود برطرف کند. «چشم در برابر چشم» از سه فاز مهم تشکیل شده است. بیننده از ابتدای مستند و در فاز اول به تماشای داستان زندگی و اتفاق تلخ اسیدپاشی برای «آمنه بهرامی» و ماجرای دادگاه وی می‌نشینند. فردی به نام «مجید موحدی» به خاطر جواب منفی آمنه به درخواست ازدواجش، طی یک اقدام وحشیانه روی صورت معشوقه‌اش اسید می‌پاشد و چشم‌های آمنه را از او می‌گیرد. کارگردان برای این بخش مصاحبه بسیار خوبی را با آمنه ترتیب داده است که حرف‌های وی بزرگ‌ترین نقطه قوت مستند محسوب می‌شود. سال ۸۳ و پس از حادثه اسیدپاشی، «آمنه بهرامی» از دادگاه تقاضای قصاص می‌کند و درخواست دارد او هم روی صورت «مجید موحدی» اسید بریزد. حکمی که تا به حال سابقه نداشت و در کشور اجرا نشده بود و قانون برای جزای یک فرد اسیدپاش در شدیدترین حالت، اعدام را در نظر گرفته بود. در مستند تصاویر آرشیوی بسیار خوبی از جلسات دادگاه حادثه اسیدپاشی سال ۸۳ آمده که مخاطب را کاملا با فضای آن موقع آشنا می‌کند. بالاخره پس از ۴ سال حکم قصاص برای «مجید موحدی» ابلاغ می‌شود و از آنجا که این حکم برای اولین بار در کشور صادر می‌شد، کمتر کسی آن را باور می‌کند و حتی وکیل آمنه به او می‌گوید این حکم فقط صادر شده و قطعا اجرایی نمی‌شود. اما سال ۹۰ از طرف دادگاه با آمنه بهرامی تماسی گرفته شده و او را برای اجرای حکم قصاص فرامی‌خوانند. پس از این اتفاق رسانه‌های خارجی و برخی سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان حقوق بشر و افرادی نظیر شیرین عبادی به آمنه فشار می‌آورند که این حکم را اجرا نکند، حتی برای اینکه جلوی او را بگیرند، دست به ترساندن وی هم می‌زنند. در این بین شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره نیز با یک پروپاگاندای وسیع رسانه‌ای سعی می‌کنند این حکم دادگاه را ضدانسانی بنامند. بعد از اتمام فاز اول، مستند «چشم در برابر چشم» وارد فاز دوم خود که پیوند اسیدپاشی سال ۸۳ با اسیدپاشی سال ۹۳ است، می‌شود. در این فاز کارگردان ابتدا با پدر و مادر «سهیلا جورکش» که یکی از قربانیان واقعه تاسف‌بار اسیدپاشی اصفهان است، مصاحبه می‌کند و در ادامه واکنش شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای و برخی خبرگزاری‌های داخلی به این اتفاق را مورد بررسی قرار می‌دهد. واکنشی که به‌خاطر تصویب قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر توسط مجلس شورای اسلامی، ۱۸۰ درجه با واکنشی که همان رسانه‌ها در قبال واقعه اسیدپاشی برای آمنه بهرامی داشتند، متفاوت است. نکته جالب این است که آتش برخی روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های داخلی نسبت به شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای تندتر است و آنها بیشتر سعی می‌کنند اسیدپاش را یک ناهی از منکر معرفی کنند!

پس از فاز دوم مستند، نوبت به کامل شدن داستان آمنه بهرامی و نتیجه‌گیری مستند می‌رسد. آمنه در سال ۹۰ و پس از گذشت ۷ سال از اتفاقی که برایش افتاده بود، در «بیمارستان دادگستری» حاضر می‌شود تا حکم قصاص را اجرا کند و روی صورت مجید موحدی اسید بپاشد. اما در لحظه آخر از این تصمیم خود منصرف می‌شود و مجرم را می‌بخشد. تمام تصاویر آرشیوی این صحنه‌ها در مستند پخش می‌شود. حالا نوبت به حرف‌های پایانی آمنه بهرامی و نتیجه‌گیری مستند می‌رسد. آمنه با اینکه پس از بخشش مجید موحدی بین بسیاری از مردم به یک قهرمان بدل شد اما اکنون از این اقدام خود پشیمان است و معتقد است اگر آن روز حکم قصاص را اجرا می‌کرد، دیگر حادثه اسیدپاشی سال ۹۳ در اصفهان رخ نمی‌داد. آمنه می‌گوید تازه معنی آیه «وَ لَکُمْ فِی الْقِصاصِ حَیاة» را متوجه شده و امروز حاضر است حکمش را اجرا کند

سیدمحمدعلی صدری‌نیا توانسته در مستند «چشم در برابر چشم» بسیاری از جنبه‌های اسیدپاشی در کشور را مورد بررسی قرار دهد و مهم‌تر آنکه فقط به این موضوع بسنده نکرده و مانند بسیاری از مستندها صرفا به طرح مشکل نپرداخته، بلکه برای حل آن راه‌حلی هم پیشنهاد داده است. در واقع «صدری‌نیا» در آخرین اثرش تفسیری تصویری از آیه شریفه «وَ لَکُمْ فِی الْقِصاصِ حَیاة» ارائه داده. تصویری که البته بدون اشکال نیست ولی نقاط مثبتش به مراتب بیشتر از ایرادهای آن است.

«چشم در برابر چشم» می‌تواند پیشنهاد بسیار خوبی برای دانشجویانی باشد که به دنبال مستندی جذاب و تاثیرگذار و در عین حال متناسب با فضای دانشگاه برای اکران دانشگاهی هستند.

■■ سلام وطن

پیامک: ۳۰۰۰۸۸/ تلفن: ۶۶۴۱۳۹۴۲

■ قیمت کتاب خیلی بالاست و در حالی که باید فرهنگ کشور را با ایجاد زمینه برای خرید آسان کتب ارزشمند تقویت کرد اما چنین چیزی دیده نمی‌شود.

هنرپرور

■ همان‌طور که آیت‌الله العظمی جوادی‌آملی، مرجع تقلید بزرگوار جهان تشیع عنوان کردند، باید کفایت مذاکرات اعلام شود. آمریکا هم به تحریم‌های خود دارد ادامه می‌دهد و هم تعطیلی تأسیسات هسته‌ای ایران تداوم دارد در قالب برنامه‌ای که آمریکا دارد و آن هم مذاکره برای مذاکره است. اگر در دهم تیر ۹۴ هم آمریکا با زیاده خواهی‌هایش نگذارد مذاکرات به نتیجه برسد، دولت ما چه برنامه‌ای دارد؟ عقب نشینی بیشتر با تمدید سه باره مذاکرات یا راه‌اندازی دوباره تأسیسات هسته‌ای کشور؟ به هر حال دنیا فهمید آمریکاست که نمی‌خواهد مذاکرات به نتیجه برسد چون با این شیوه به آنچه می‌خواست، رسید.

آناهید

■ با توجه به آنکه رهبر انقلاب می‌فرمایند هدف اصلی از روند حرکت علمی کشور تبدیل ایران به مرجع علمی جهان است و با عنایت به اینکه وزیر محترم علوم بتازگی به این سمت منصوب شده است و البته سابقه وزارت علوم و همین‌طور وزارت بهداشت را دارد و با مدیریت آشناست، باید هر چه سریع‌تر با هدفگذاری مناسب علمی و خالی کردن دانشگاه‌ها از حواشی، عقب ماندن‌های یک سال و نیم اخیر که دانشگاه‌ها اسیر فتنه‌گران شده بود، جبران شود.

کمالی

■■ نگاه

هویت مجازی، حاصل زندگی جدید انسان‌ها در فضای مجازی

من «خودم» نیستم

ادامه از صفحه اول

در نتیجه، با ایجاد تحول در مفاهیم مکان و زمان و فراهم آمدن منابع و مراجع جدید، هویت و ذهنیت انسان در جهان جدید ناپایدار و سیال می‌شود که به‌نوعی همخوان و سازگار با اندیشه بی‌نظمی و پساساختارگرایی پست مدرن درباره هویت انسان است. در فضای سایبر، هویت جدیدی علاوه بر هویت فیزیکی وجود دارد که بعضی‌ها به اشتباه این هویت جدید یعنی «هویت دیجیتالی» را مترادف هویت مجازی می‌دانند. در حالی که هویت دیجیتالی می‌تواند به صورت مجازی یا حقیقی شکل بگیرد. می‌توان مشخصات هویت حقیقی را بروز داد یا از خود شخصی دیگر، غیر از آنچه در واقعیت بوده، ارائه داد.

به واسطه تحولات ساختاری و معرفتی و شکل‌گیری ذهنیت و هویت سیال و ناپایدار در جهان جدید و پدیدار شدن شبکه‌های اجتماعی که به منزله رسانه‌های تعاملی وسیع در فضای سایبر هستند کم‌کم ساخت «هویت مجازی» گسترش می‌یابد و آزادی عمل در فضای اینترنت و عدم شناخته شدن باعث می‌شود هویت حقیقی افراد کنار گذاشته شده و هویت مجازی جایگزین آن شود. «هویت مجازی» هر فرد، عبارت است از آنچه فرد به جای هویت واقعی خود به دیگران نشان می‌دهد. هویت مجازی و حریم خصوصی ارتباط نزدیک با هم دارند و بعضی دانشمندان معتقدند هویت مجازی جزئی از حریم خصوصی است. در اجتماع مدرن امروز، هویت مجازی به صورت عمدی یا غیرعمدی و خود به خود ظاهر می‌شود. در هویت مجازی که حاصل دنیای پست مدرن است، بر هویت غیرذاتی و تاریخی و سیال انسان و پراکندگی و تجزیه فرد تاکید می‌شود. از آنجا که در فضای مجازی، موقعیت‌ها هویت‌سازند و قرار گرفتن کاربران در هر موقعیت متفاوت با موقعیت دیگر است، هر فردی همچون «موزائیک» مجموعه‌ای از تعارض‌ها و اجزای گوناگون شده است که گاهی این تعارضات به حدی می‌رسد که به اختلالات روانی در افراد نیز منجر می‌شود. در این میان غرق شدن در فضای مجازی، گاهی منجر به فراموش کردن هویت واقعی افراد نیز می‌شود، تا حدی که در زندگی اجتماعی و روابط خانوادگی، گاهی ما با دوگانگی یا چندگانگی شخصیتی افراد روبه‌رو می‌شویم. این موضوع وقتی حساس می‌شود که بدانیم برخی افراد در مواجهه با شخصیت دیگر خود که از آن به «خودِ مجازی» تعبیر می‌کنیم، دچار نوعی هراس و اضطراب می‌شوند. «خودِ مجازی» آدم‌ها می‌تواند شخصیتی بسیار متفاوت از شخصیت حقیقی آنها باشد، می‌تواند تمام اسرار و خصوصیات درونی و واقعی آن فرد را براحتی فاش کند، یعنی چیزی که در واقعیت عملی غیرممکن به نظر می‌رسد. در حقیقت هویت مجازی آن روی سکه شخصیتی افراد است که در زندگی واقعی به‌دلیل چارچوب‌های هنجاری اجتماعی، حیا و عفت اجتماعی، قدرت یا جرأت بروز آن را ندارند، شخصیتی که شاید در تضاد کامل با شخصیت واقعی فرد باشد. هادی مقدم‌دوست در اولین ساخته سینمایی خودش با نام «سر به مهر» که در سی و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر به نمایش درآمد، تا حدودی به بخشی از این هویت مجازی می‌پردازد. شخصیت زن داستان (با بازی لیلا حاتمی) در یک قرار وبلاگی شرکت می‌کند اما وقتی از او سوال می‌شود که آیا فلان وبلاگ برای شماست، او این مساله را بشدت انکار و سعی می‌کند در بحث دیگران درباره مشکلات نویسنده وبلاگ، خودش هم شرکت کند. هرچند «خودِ مجازی» این فرد دقیقاً بیان‌کننده مسائل محرمانه «خودِ حقیقی» او است اما به دلیل همین بیان مسائل محرمانه، فاصله بسیاری بین او و هویت مجازی‌اش وجود دارد. فاصله‌ای که از مواجه شدن با او بشدت می‌هراسد.

Disconnect یا جداماندگی فیلم برجسته سال ۲۰۱۳ دیگر ساخته‌ای است که این تناقضات هویت مجازی و هویت واقعی را به تصویر می‌کشد، تناقضاتی که باعث می‌شود بازیگر اصلی فیلم به‌دلیل فاش شدن رفتارهای متناقضش در قالب هویت مجازی فیسبوکش دست به خودکشی بزند. مثال‌های یادشده گوشه‌ای از این هویت‌های مجازی است. گاهی فرد در فضای مجازی (وبلاگ یا شبکه‌های اجتماعی) از خود شخصیت دیگری خلق می‌کند. شخصیتی که نقص‌های فعلی را ندارد؛ شخصیتی که براساس آرزوهای دست‌نیافتنی شکل گرفته است (آواتار). این شخصیت مجازیِ دوست‌داشتنی آنچنان در زندگی آن فرد بزرگ می‌شود که براحتی شخصیت حقیقی را کمرنگ می‌کند اما این مساله چگونه اتفاق می‌افتد؟

به نظر می‌رسد بزرگ‌ترین عامل پررنگ‌شدن شخصیت مجازی، دیالوگ‌های مجازی باشد. وقتی مخاطبان وبلاگ یا مخاطبان شبکه‌های اجتماعی، شخصیت مجازی فرد را به رسمیت می‌شناسند، وقتی آمار بازدیدها و کامنت‌ها بالا می‌رود، کم‌کم شخصیت مجازیِ دوست‌داشتنی، جای شخصیت حقیقی را می‌گیرد. این موقعیت جدید گاهی به فراموشی مسائل دینی و اعتقادی نیز منجر می‌شود و این دقیقا از مصادیق کارکردهای عجیب دنیای مجازی است. از نگاهی دیگر؛ هویت مجازی راه سوءاستفاده و کلاهبرداری را نیز فراهم کرد و «شخصیت جعلی» و «خود را به جای کس دیگر جا زدن» به یکی از جدیدترین کلاهبرداری‌ها تبدیل شد که سودهای کلانی نصیب کلاهبرداران کرد. در این شیوه کلاهبردار خود را به جای مالک چیزی جا می‌زند یا از هویت شخص دیگری برای به دست آوردن کالا یا خدمات مورد نیاز خود استفاده می‌کند. مهاجرت غیرقانونی، تروریسم و ایمیل‌های سیاه در زمره این جرائم قرار می‌گیرد.

آب‌وهوا

ابوموسی	۱۲ / ۲۶	سیستان	۳ / ۲۳
آذرشرقی	۲- / ۷	فارس	۲ / ۱۶
آذرغربی	۶- / ۸	قزوین	صفر / ۱۲
اردبیل	۱ / ۱۲	قم	صفر / ۱۷
اصفهان	۱ / ۱۵	کردستان	۲ / ۱۱
البرز	۱- / ۱۱	کرمان	۲- / ۲۰
ایلام	۳ / ۱۳	کرمانشاه	۱- / ۱۱
بوشهر	۱۴ / ۲۲	کهگیلویه	صفر / ۱۵
تهران	۳ / ۱۲	گلستان	۴ / ۱۹
چهارمحال	۹- / ۱۳	گیلان	۹ / ۱۶
خراسان.ج	صفر / ۱۷	لرستان	۱ / ۱۲
خراسان.ر	۲ / ۱۲	مازندران	۴ / ۱۶
خراسان.ش	۳- / ۱۳	مرکزی	۳- / ۱۰
خوزستان	۱۱ / ۲۵	هرمزگان	۱۲ / ۲۶
زنجان	۳- / ۹	همدان	۳- / ۱۱
سمنان	صفر / ۱۲	یزد	۴ / ۱۹

تقویم تاریخ

■ **ولادت پیامبر اعظم(ص) بنا بر قول اهل سنت و آغاز هفته وحدت**

سرانجام پس از قرن‌ها، انتظار عالم خلقت به سر آمد و بزرگ هدایتگر انسان‌ها پا به عرصه وجود نهاد. برترین مخلوق خدا ظاهر شد، باران «رحمةللعالمین» باریدن گرفت، چشمه رأفت و هدایت فیضان کرد و نور محمدی عالم ملک و ملکوت را منور کرد. در شهری که شرافتش را از ولادت او دریافت کرد، چشم به جهان گشود: «لا اقسم بهذا البلد، و انت حل بهذا البلد: ای پیامبر چون تو در این شهر هستی به این شهر قسم می‌خورم.» امام علی(ع) در رابطه با مکان تولد پیامبر فرموده‌اند: «مولده بمکه». مکه این شهر امن خدا، زادگاه آخرین سفیر الهی بر خلایق شد. شهری که به‌واسطه دعای ابراهیم محل امان و امن همه موجودات اعم از نبات و حیوان و انسان شد: «و اذ قال ابراهیم رب اجعل هذا البلد آمنا». تعبیر قرآن در آیات آغازین سوره بلد نشان می‌دهد مکه به خاطر اقامت پیامبر در این شهر و تولدشان در آن، شرافت یافته و مورد قسم خداوند واقع شده است. ولادت رسول اکرم را در عام‌الفیل معادل سال ۵۷۰ میلادی گفته‌اند. روز ولادت ایشان بنا بر نقل شیعه ۱۷ ربیع‌الاول و بنابر نقل اهل سنت ۱۲ ربیع‌الاول است که هفته بین این دو روز وحدت نامگذاری شده است.

■ **سفر مخفیانه ژنرال «هایزر» مستشار عالیرتبه نظامی آمریکا به تهران (۱۳۵۷ ش)**

ژنرال رابرت هایزر، معاون وقت فرمانده نیروی هوایی آمریکا در اروپا بود و برای مأموریتی ویژه به تهران آمد تا دولت آمریکا را در تصمیم‌گیری‌های بعدی و اطلاع از اوضاع ایران در زمان انقلاب بزرگ ملت مسلمان ایران، یاری کند. هایزر در مدت اقامت سی و چند روزه خود در ایران تنها یک بار با شاه ملاقات کرد و در این جلسه، روز و ساعت خروج محمدرضا پهلوی از ایران تعیین شد. به طور کلی، از مطالعه و بررسی مجموع اخبار و اسناد، چنین استنباط می‌شود که مأموریت ژنرال هایزر در ایران براساس ۴ مساله دور می‌زد: نخست آنکه از عملیات خودسرانه و حساب نشده ارتش پس از فرار شاه از ایران، جلوگیری شود. دوم ارتش را موظف کند از دولت بختیار پشتیبانی کند و در صورت لزوم مبادرت به کودتای نظامی شود. سوم آنکه تکلیف قراردادهای فروش سلاح‌های پیشرفته آمریکا در ایران روشن شود. چهارم وسایل و سلاح‌های مدرن آمریکا در ایستگاه‌های رادار در ایران به تصرف شوروی درنیاید. با این حال نهضت اسلامی ملت ایران به حدی گسترش یافت که کاری از دست ژنرال هایزر و کاخ سفید برنیامد و او چند روز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، از تهران گریخت.

■ **زادروز نیوتن، کاشف جاذبه عمومی (۱۶۴۳م)**

اسحاق نیوتن دانشمند بلندآوازه انگلیسی، چهارم ژانویه سال ۱۶۴۳ میلادی در منطقه نارس انگلستان به‌دنیا آمد و کودکی خود را با غم از دست دادن پدر به تلخ‌کامی گذراند. وی از جوانی به ابزارهای مکانیکی علاقه داشت تا اینکه در دانشگاه کمبریج انگلستان در زمینه‌های ریاضی، فیزیک و فلسفه به تحصیل و تحقیق پرداخت. نیوتن در ۲۴سالگی، قوانین اساسی فیزیک را تنظیم کرد و آنها را درباره اجرام آسمانی به‌کار برد. مهم‌ترین کشف نیوتن، قانون اصلی جاذبه است. کشفیات علمی نیوتن، پایه بسیاری از اکتشافات بعدی دانشمندان درباره قوانین حاکم بر طبیعت و اصول ریاضی و هندسی شد. نیوتن، مفاهیم و قوانین اساسی مکانیک را فرمول‌بندی کرد و پس از کشف جاذبه عمومی، منظره‌ای فیزیکی از جهان به‌وجود آورد که تا آغاز قرن بیستم میلادی، دست‌نخورده باقی ماند. نیوتن آثار متعددی به نگارش درآورده است که کتاب مبانی ریاضی فلسفه طبیعی درباره حرکت اجسام، مهم‌ترین اثر او است. نیوتن در این کتاب، پیروی حرکات اجسام در زمین و آسمان را براساس قوانین واحد اثبات می‌کند و قوانین مهم سه‌گانه خود را در این باره مطرح می‌کند. او بیش از بیست سال آخر عمر را در مقام ریاست انجمن سلطنتی انگلستان گذراند و فعالیت‌های علمی خود را ادامه داد. اسحاق نیوتن سرانجام در ۳۱ مارس سال ۱۷۲۷م در ۸۵ سالگی درگذشت و در کلیسای وست‌مینستر که مدفن بزرگان بسیاری است، به خاک سپرده شد.